

اسماعیل سلیمکا، شناسا، اشد علمه ساسا،

بحران قره باغ و بازیگردانی تبریز

عرصه ی روابط بین الملل آوردگاه دیپلماتیک میان بازیگران مختلف برای تامین منافع است. در این عرصه بازیگران متناسب با توان و قدرت خود ایفای نقش می کنند و منطق بازی به گونه ای است که عدم حضور به منزله ی واگذاری میدان بازی به رقبا و کشورهای متخاصم است و بر عکس حضور و نقش آفرینی ضمن اینکه سایر بازیگران را به پذیرش واقعیت شما الزام میکند در عین حال در صورت تمهید برخی ابزارهای مناسب می توان از سایر بازیگران در ازای همراهی، همکاری و... امتیازات مناسبی هم اخذ کرد. از جمله شاخص های قدرت که کشورها را به نقش آفرینی مهم مبدل می کند، توانمندی آنها در مدیریت و حل بحران های منطقه ای است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بازیگران بسیار پر قدرت در منطقه ی خاورمیانه، ظرفیت های بی بدیلی را فراهم کرده است که مورد تایید و اذعان کشورهای منطقه و همچنین کشورهای بزرگی نظیر آمریکا می باشد. وجود این ظرفیت بود که موجب شد تا ایران بتواند آمریکا را که پس از فروپاشی شوروی سابق در صدر استیلای جهانی بود و سودای پایان تاریخ و پیروزی نهایی لیبرال دموکراسی آمریکایی را تبلیغ می کرد؛ در موقعیتهای مختلف زمین گیر کرده و به شکست بکشاند. به بیان دیگر جمهوری اسلامی ایران توانسته است با ظرفیت سازیهای مناسب در بحران های پیرامونی خود، بازیگران متخاصم را به پذیرش واقعیت ایران و نقش و نفوذ آن وادار نماید. این روند به یک معنا انعکاسی از راهبرد عزت، حکمت و مصلحت است که در بحران های مختلف باز تولید شده است. یکی از بحران های طولانی مدتی که در حوزه حلقه ی اول پیرامونی ایران جریان دارد؛ بحران قره باغ است. این بحران نزدیک به 22 سال است که در کنار مرزهای ایران در قفقاز به حیات خود ادامه می دهد و استان آذربایجان شرقی به دلیل همجواری با دو کشور آذربایجان و ارمنستان و دو منطقه ی خود مختار نخجوان و قره باغ و همچنین سکونت اقلیت ارمنه و اکثریت قاطع آذربها در تبریز از جایگاه مهمی در مدیریت این بحران برخوردار است. رسیدن به یک جایگاه مناسب و اثرگذار در عرصه ی تحولات این بحران طولانی مدت نیازمند تمهید شرایط در حوزه ی داخلی و خارجی است. در عرصه ی داخلی ابتدا باید مسئولین استانی ظرفیت های خود را به اندازه ای توسعه دهند که ضمن تبدیل تهدیدات احتمالی ناشی از این بحران به فرصت های مغتنم و مناسب برای نظام و استان، از این شرایط برای توسعه ی مناسب استان نیز بهره برداری نمایند. بی شک اولین قدم در این رابطه شناخت دقیق از ماهیت تحولات و تعاملات موجود در میان بازیگران منطقه ای و فرا منطقه ای و سیاست های بازیگران متخاصم نظیر آمریکا و اسرائیل می باشد. در عرصه ی خارجی نیز باید تلاش شود تا به تدریج قدرت چانه زنی و نقش آفرینی جمهوری اسلامی ایران در مدیریت این بحران افزایش یابد. نظر مقام معظم رهبری در خصوص قره باغ راهبرد اصلی برای برنامه ریزی مناسب در این خصوص می باشد. تحلیل روند چند سال اخیر در سطح استان آذربایجان شرقی نشان می دهد که خوشبختانه نهادهای غیردولتی خیزش مناسبی پیدا کرده و توانسته اند خود را بعنوان بازیگری جدی مطرح نمایند. اما برخی دستگاه های اجرایی دچار کاستی های جدی در این زمینه می باشند؛ اول اینکه: با شرایط جدید جمهوری اسلامی ایران در منطقه و مدیریت بحران های پیرامونی و ابقای نقش جدی و اثر گذار تطبیق نیافته اند و همچنان حفظ وضع موجود و انزوا گرایی را دنبال می کنند. دوم اینکه: درک مناسبی از ماهیت تحولات قفقاز ندارند و به همین دلیل برخی اقدامات انجام شده را مغایر با منافع و امنیت ملی کشور تلقی می کنند. سوم اینکه: اصل عزت، حکمت و مصلحت را فراموش کرده و بر مدار غفلت می چرخند. چهارم اینکه: نسبت به نظرات مقام معظم رهبری تکلیفی بر دوش خود احساس نمی کنند. یکی از اقداماتی که در خصوص بحران قره باغ در شرف وقوع بود، همایش قره باغ بود که با کارشکنی برخی عوامل و محافل وابسته در جمهوری آذربایجان و تهدید مهمانان آذری به تعویق افتاد. این همایش می توانست و می تواند نمایه و تصویر خوبی از تحولات مربوط به بحران قره باغ در اختیار صاحب نظران و مسئولین استانی قرار دهد و به عنوان محملی برای بررسی ابعاد مختلف آن عمل نماید؛ امید که هرچه زودتر با رفع موانع و مشکلات هرچه سریعتر برگزار گردد.